

شرایط و آثار حاکم بر تعیین خواسته و بهای آن در حقوق ایران و فرانسه

غلامرضا رستمی فر^۱ - صالح یمرلی^۲ - علی اکبر اسمعیلی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۴ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۷

چکیده:

موضوع خواسته و تعیین آن را می‌توان در حقوق برخی کشورها همچون ایران و فرانسه مورد مطالعه قرار داد؛ تعیین خواسته و بهای آن در دعوی حقوقی به عنوان رکن اصلی و اساسی هر دادخواستی شناخته شده است. بنابراین هدف از مطالعه‌ی پژوهش حاضر شرایط و آثار حاکم بر تعیین خواسته در حقوق ایران و فرانسه است که به روش توصیفی-تحلیلی و به صورت گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای می‌باشد، تدوین گردیده است. تعیین مالی یا غیرمالی بودن خواسته، معیار و ملاک ارزیابی بهای خواسته، قواعد حاکم بر تعیین خواسته و... از موضوعات بسیار مهمی است که تعیین درست آن می‌تواند تحولاتی در روند دادرسی ایجاد کند. در حقوق فرانسه نیز می‌توان خواسته و تعیین آن را از اهمیت برخوردار دانست و این موضوع در ماده‌ی ۱۱۲۸ قانون مدنی فرانسه مورد اشاره قرار گرفته و معیار و ضابطه‌ی ارزیابی خواسته و بهای آن «قابل داد و ستد بودن» آن عنوان گردیده است.

واژگان کلیدی: خواسته، بهای خواسته، آثار تعیین خواسته، حقوق ایران، حقوق فرانسه

JPIR-2107-1932

^۱ - دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران

^۲ - استادیار گروه حقوق، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی گرگان، ایران: نویسنده مسئول

استادیار گروه الهیات، دانشگاه گنبدکاووس، گنبد، ایران، ایران

Salehyamrali@gmail.com

^۳ - استادیار گروه حقوق، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران

به طور کلی فرآیندی که به موجب آن، خواهان با توجه به نتیجه دادرسی، بر اساس ماهیت اعلامی یا تأسیسی حکم و اصل نظام مندی در دادرسی و توجه به نفع مشروع در آن، خواسته دعوا را نشان می‌دهد، تعیین خواسته نام دارد. تعیین خواسته مفهومی است که هدف دادرسی را ترسیم می‌کند لذا تعیین خواسته باید به گونه‌ای باشد که با توجه به اصل تجمیع دعاوی (مطرح شدن دعاوی مرتبط در یک دادگاه) حداکثر آثار حقوقی را داشته باشد. از این‌رو، برای اینکه هدف اصلی خواهان تأمین شود، باید خواسته‌هایی مطرح شود که آینه تمام‌نمای آن و نه اینکه مقدمه رسیدگی در دعاوی دیگر باشد. بهای خواسته نیز به تبع تعیین خواسته از مراحل یک دادرسی است. بهای خواسته جهت هزینه دادرسی، صلاحیت مراجع قانونی و قابلیت تجدید نظر و فرجام‌خواهی رأی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. اصولاً تعیین بهای خواسته در اختیار خواهان است، هرچند در غالب موارد، غیر واقعی است. اما مقنن به هر جهت این اختیار را داده و ماده ۶۱ قانون آیین دادرسی مدنی، در این معناست که در این مورد استدلال مخالف نیز وجود دارد اما به طور کلی دادگاه بدون ایراد خوانده حق دخالت در این مسئله را ندارد و در صورت اعتراض از سوی خوانده، خواهان حق افزایش خواسته را وفق ماده‌ی ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی در جلسه اول دارد که در این مورد یا خوانده باید از اعتراض خود عدول نماید یا هر دو در خصوص قیمت توافق نمایند یا موضوع کارشناسی شود. در حقوق فرانسه نیز قانونگذار فرانسوی به خواهان تکلیف نموده است که به وقت تنظیم دادخواست، خواسته دقیق خود را برای دادگاه تعیین نماید. در ماده ۴ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه، مصوب ۱۹۷۵ به صراحت آمده است «موضوع دعوی را ادعاهای متقابل طرفین معین می‌کند. این ادعاها در سند آغازگر رسیدگی و لوائح دفاعی مشخص می‌باشند در حقوق فرانسه، خواسته دعوی ممکن است اصلی باشد یا تبعی.. به طور کلی، هدف از این پژوهش تعیین شرایط و آثار حاکم بر تعیین خواسته و بهای آن در حقوق ایران و فرانسه است. بدین منظور نگارنده در پی یافتن شرایط و آثار ایجاد شده و تفاوت‌ها و شباهت‌های تعیین خواسته و بهای آن در حقوق ایران و فرانسه است؛ از این‌رو در پژوهش حاضر به مسائل پیش‌رو پاسخ داده خواهد شد: شرایط تعیین خواسته در حقوق ایران و فرانسه چه می‌باشد؟ چه شرایط و آثاری بر قواعد حاکم بر تعیین خواسته حاکم است؟

^{۱-} در این خصوص ماده ۱۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می‌دارد: «اگر دعوی دیگری که ارتباط کامل با دعوی طرح‌شده دارند، در همان دادگاه مطرح باشد، دادگاه به تمامی آنها به صورت یکجا رسیدگی می‌کند و چنانچه در چند شعبه مطرح شده باشد، در یکی از شعب با تعیین رئیس شعبه اول یکجا رسیدگی خواهد شد. در مورد این ماده و کلا با اصحاب دعوا مکلفند از دعاوی مربوط، دادگاه را مستحضر کنند».

بیان مساله

بهای خواسته بموجب ماده ۶۱ ق.ج. از نظر هزینه دادرسی و امکان تجدید نظرخواهی همان مبلغی است که در دادخواست قید شده است مگر اینکه قانون ترتیب دیگری معین کرده باشد. بنابراین بهای خواسته در دادخواست، علی الاصول، مأخذ احتساب هزینه دادرسی و با لحاظ مقررات قانونی جدید، دیگر از مبانی تشخیص قابلیت تجدید نظر و همچنین، عندالاقضاء، قابلیت فرجام آرای قاطع دادگاهها در امور حقوقی است. البته در این خصوص باید توجه داشت که به موجب بند ۱۲ ماده ۳ ق.و.د.و. ، مصوب اسفند ماه سال ۱۳۷۳ و با لحاظ ماده ۶۱ ق.ج. در دعاوی مالی غیر منقول و خلع ید از اعیان غیر منقول، بهای خواسته از حیث امکان تجدیدنظر و فرجام خواهی، همان است که خواهان در دادخواست تعیین می نماید. اما از نظر هزینه دادرسی باید مطابق ارزش معاملاتی املاک در هر منطقه تقویم و بر اساس آن هزینه دادرسی پرداخت شود. بنابراین در دعاوی مزبور دفتر دادگاه، هزینه دادرسی را بر اساس قیمت منطقه ای ملک محاسبه می نماید. اما از حیث قابلیت شکایت رأی صادره، بهای تعیین شده در دادخواست معتبر است. در این دسته از دعاوی چنانچه به بهای خواسته اعتراض شود و این اعتراض در مراحل بعدی رسیدگی مؤثر باشد، دادگاه باید به موجب ماده ۶۴ ق.ج. پیش از رسیدگی با جلب نظر کارشناسی، بهای خواسته را تعیین نماید و همین بها مبنای هزینه دادرسی و مراحل بعدی رسیدگی خواهد کرد؟

هر چند این نظر را رویه دادگاههای ایران نیز تایید می نماید، ولی تفسیری که در این نظر از بند ۵ ماده ۵۱ به عمل آمده است، خلاف ظاهر آن است. واقعیت این است که ستون خواسته در دادخواست، محل درج کلیه خواسته های اصلی و فرعی خواهان است و با رویه حاضر آیا پس از درج خواسته اصلی میتوان خسارت تاخیر تادیه، خسارت حق الوکاله و تامین خواسته و دستور موقت و غیره را در ادامه آن نوشت؟ در خواسته هایی هم که خواهان برای اثبات ادعای خود به آنها تمسک می جوید در ستون دلایل و منضمات دادخواست قابل درج است. بنابراین تفاوتی که طرفداران این نظر بین بند ۳ ماده ۵۱ و بند ۵ همان ماده ذکر کرده اند. قابل پذیرش نیست و به نظر می رسد قانونگذار ایران که آیین دادرسی مدنی را قبل از اصلاحات ۱۹۶۵ آیین دادرسی مدنی از نظام حقوقی فرانسه اقتباس کرده است، امکان طرح خواسته های تبعی در طول خواسته اصلی را پذیرفته بوده است و چون در بازبینی سال ۱۳۷۹ از قانون آیین دادرسی مدنی نیز، این بند آگاهانه به حالت سابق در ماده ۵۱ ابقاء شده است باید قایل گردید که قانونگذار ایران مانند نظام حقوقی فرانسه قبل از اصلاحات ۱۹۶۵، طرح دعوی با خواسته های اصلی و تبعی را در طول یکدیگر پذیرفته است. زیرا این

نظر که خواهان بتواند در صورت پذیرفته نشدن خواسته اصلی از دادگاه درخواست خواسته ثانوی را بنماید، چون در نهایت منجر به فیصله دادن کلی دعوی می‌گردد و از طرح دعاوی در اشکال مختل ف، ولی با منشا واحد جلوگیری می‌نماید، می‌تواند در عمل فوق العاده موثر واقع شود و برای همیشه عبارت اصطلاحی ((دعوی به کیفیت مطروحه قابلیت استماع ندارد)) از ادبیات حقوقی، حذف شود.

مفاهیم

- تعیین خواسته در حقوق ایران و فرانسه

آنچه که مدعی از دادگاه تقاضا می‌کند، خواسته یا مدعی به نامیده می‌شود. به عبارت دیگر، آن چیزی را که در مرافعات و امور حسبی از دادگاه می‌خواهند اصطلاحاً خواسته نامند. خواسته همان موضوعی است که خواهان از دادگاه می‌خواهد، خواهان باید خواسته خود را در دادخواست و در قسمت مربوطه، دقیقاً مشخص نماید. اثر تعیین خواسته آن است که دادگاه مکلف می‌شود در محدوده خواسته خواهان، به دعوا رسیدگی نماید و از ورود در موضوع‌هایی که خارج از چهارچوب خواسته خواهان و یا بیش از آن است ممنوع خواهد شد. در حقوق فرانسه در خصوص تعیین خواسته، هیچ‌گونه تعریف و مفهوم‌نگاری به عمل نیامده است و هر آنچه در خصوص تعیین خواسته مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته در خصوص تعیین بهای خواسته یا جهت دعوا و اعتراض به ادعای خواهان در خصوص تعیین بهای خواسته در حین ارائه دادخواست است. برای مثال در مواد ۳۵، ۳۶ و ۳۷ قانون جدید آیین دادرسی مدنی فرانسه به جهات و شرایط تعیین خواسته پرداخته شده است

- تقویم بهای خواسته در حقوق ایران و فرانسه

تقویم خواسته به معنای اعلام ارزش خواسته به وجه رایج کشور می‌باشد که اولاً، از سوی خواهان به عمل می‌آید. ثانیاً، در مورد خواسته غیرمالی مفهوم ندارد و تنها مختص خواسته مالی است. در میان خواسته‌های مالی، اگر خواسته وجه نقد باشد، نیاز به تقویم ندارد؛ چرا که در واقع ارزیابی پول (وجه رایج) به همان پول اساساً معنا ندارد. تقویم ارز هم مشکل خاصی را در بر ندارد؛ زیرا با توجه به نرخ رسمی کشور، در روز تقدیم دادخواست ارزیابی می‌شود.

(بند «۱» ماده ۶۲ قانون آیین دادرسی مدنی). منظور از روز تقویم دادخواست، همان روزی است که دادخواست در سامانه رایانه‌ای دفتر کل یا دفتر مجتمع قضایی ثبت می‌شود، ولو اینکه در زمان ثبت اداری نواقصی داشته باشد. غیر از وجه رایج و ارز و مال غیرمنقول، در مورد سایر اموال، تقویم خواسته در صورتی معنا پیدا می‌کند که خواسته عین معین یا معلوم باشد. به عنوان مثال اول، در دعاوی مالکیت نسبت به یک دستگاه خودرو، امکان تقویم خواسته

وجود دارد. اما به عنوان مثال دوم در دعوی مطالبه خسارت ناشی از یک تصادف رانندگی یا مطالبه اجرت المثل ناشی از تصرف عدوانی، نمی‌توان در دعوا، میزان خواسته را به طور دقیق ارزیابی کرد. (جهرمی، السان، ۱۳۹۸: ۵۵)

مفهوم بهای خواسته نیز همچون تعیین خواسته در قوانین فرانسه مورد اشاره قرار نگرفته است و تنها قانونگذار در ماده‌ی ۳۴ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه اقدام به تبیین شرایط بهای خواسته نموده است که در ماده‌ی مزبور صلاحیت رسیدگی دادگاه در بهای خواسته مورد بررسی و توجه بوده است. ماده‌ی ۳۸ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه نیز در خصوص ادغام خواسته و بهای آنها در دادخواست واحد است. به طور کلی در حقوق فرانسه، هدف و مفهوم بهای خواسته، همان میزان خواسته در جهت تعیین صلاحیت دادگاه است که از ماده‌ی ذکر شده استنباط می‌گردد.

تقویم خواسته در حقوق فرانسه، تنها در بر گیرنده‌ی اموالی است که ارزش مالی داشته باشد و قابل داد و ستد باشد. در حقوق فرانسه اگر خواسته دعوی یا ارزش مالی خواسته دعوی کمتر از پنجاه فرانک باشد، دادرسی در صلاحیت دادگاه بخش است، این دادگاه با سیستم وحدت دادرسی به دعوا رسیدگی می‌کند و اگر خواسته دعوی یا ارزش مالی آن بیش از پنجاه هزار فرانک باشد، دادرسی با دادگاه شهرستان است که با سیستم تعدد قاضی رسیدگی می‌شود. بنابراین خواسته یا بهای آن در حقوق فرانسه کارکرد صلاحیتی دارد نه کارکرد قابلیت یا عدم قابلیت تجدید نظر. (مهاجری، ۱۳۹۲: ۱۷۲)

شرایط تعیین خواسته در ایران و فرانسه

ماده‌ی ۱۱۲۸ قانون مدنی فرانسه، معیار و ضابطه‌ی ارزیابی خواسته و بهای آن را «قابل داد و ستد بودن» آن عنوان نموده و این موضوع یکی از شرایط مهم تعیین خواسته است. به طوری که حق غیرمالی در حقوق فرانسه، امتیازی است که هدف آن رفع نیازمندی‌های عاطفی و اخلاقی انسان است. موضوع این حق، روابط غیرمالی اشخاص است، ارزش داد و ستد ندارد و به طور مستقیم، قابل ارزیابی به پول و مبادله نیست. بنابراین شرایط خواسته در تشخیص و

! Article 34: La compétence en raison du montant de la demande ainsi que le taux du ressort au-dessous duquel l'appel n'est pas ouvert sont déterminés par les règles propres à chaque juridiction et par les dispositions ci-après.

‡ Article 38: Lorsqu'une demande incidente est supérieure au taux de sa compétence, le juge, si une partie soulève l'incompétence, peut soit ne statuer que sur la demande initiale, soit renvoyer les parties à se pourvoir pour le tout devant la juridiction compétente pour connaître de la demande incidente. Toutefois, lorsqu'une demande reconventionnelle en dommages-intérêts est fondée exclusivement sur la demande initiale, le juge en connaît à quelque somme qu'elle s'élève..

ارزیابی در حقوق فرانسه را قابلیت داد و ستد بودن آن می‌توان عنوان نمود. در حقوق ایران تعیین خواسته با اهدافی چون مکلف نمودن دادگاه به رسیدگی، تعیین محدوده‌ی رسیدگی... تکلیف خواهان است. البته این تکلیف با استثنای مهمی روبرو می‌باشد و آن جبران خسارت است که اولاً می‌توان آن را ضمن دادخواست یا در اثنای رسیدگی مطالبه نمود یا بطور مستقل خواستار آن شد. ثانیاً دادگاه میزان خسارت را پس از رسیدگی بطور دقیق معین خواهد نمود. (م ۵۱۵ ق.آ.د.م) نکات زیر از شرایط تعیین خواسته در حقوق ایران به-شمار می‌آید:

درج دقیق خواسته در ستون دادخواست

خواسته‌ی خواهان باید در دادخواست و در قسمت مربوط به آن، دقیقاً مشخص شده باشد. در حقیقت، دادگاه مکلف است به تمامی خواسته‌های مندرج در قسمت مربوط دادخواست، به همان صورت که آمده است، توجه نماید.

الف) روشن بودن خواسته

تغییرات ایجاد شده در دادخواست می‌بایست به گونه‌ای باشد که خواننده نیز به طور روشن و صریح از آن آگاه شده باشد. (مهاجری، ۱۳۹۲: ۸۹)

ب) معین بودن خواسته (غیر مردد بین دو یا چند امر نباشد)

یکی دیگر از شرایط خواسته را می‌توان معین بودن آن عنوان نمود؛ در صورتی که خواسته معین نباشد، دادگاه می‌تواند رفع نقص را اصدار نماید.

پ) منجز بودن خواسته

مطرح نمودن دو خواسته متضاد و متباین در یک دادخواست قابل استماع نخواهد بود چرا که خواسته منجز نیست و طرح آن وجاهت قانونی ندارد.

شرایط تعیین بهای خواسته

- شرایط تعیین بهای خواسته پولی

اگر خواسته پول رایج کشور باشد، همان مبلغ مورد مطالبه، فی نفسه، بیانگر بهای آن است (بند ۱ ماده‌ی ۶۲ ق.آ.د.م). بنابراین، تقویم آن موضوعاً منتفی است. اما «اگر خواسته... پول خارجی باشد، ارزیابی آن به نرخ رسمی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در تاریخ تقدیم دادخواست بهای خواسته محسوب می‌شود». ارزیابی پول خارجی تنها برای مشخص شدن هزینه دادرسی و تجدید نظر خواهی از رأی صادره می‌باشد.

بنابراین به دلالت بند یک ماده‌ی ۶۲ قانون آیین دادرسی مدنی در صورتی که خواسته دادخواست وجه رایج ایران باشد بهای آن، همان مبلغ مورد مطالبه خواهد بود. چرا که فلسفه‌ی

تقویم خواسته تعیین میزان هزینه دادرسی و همچنین تشخیص امکان یا عدم امکان تجدیدنظر خواهی است و در جایی که خواسته وجه رایج ایران باشد با ملاحظه مبلغ مورد مطالبه هر دو فلسفه و منظور قانونگذار حاصل می‌گردد.

- شرایط تعیین بهای خواسته غیر پولی

در صورتی که موضوع دعوا امری مالی، ولی غیر پولی باشد، «بهای خواسته مبلغی است که خواهان در دادخواست معین کرده و خوانده تا اولین جلسه دادرسی به آن ایراد یا اعتراض نکرده...» است. دیدیم تقویم خواسته جز در موارد استثنایی در اختیار خواهان بود. لذا، او نمی‌تواند خواسته‌ی خود را به هر مبلغی که بخواهد ارزیابی نماید. البته این ارزیابی تا هنگامی اعتبار دارد که خوانده به آن اعتراض ننماید.

آثار تعیین خواسته و بهای آن در حقوق ایران و فرانسه

- تعیین محدوده‌ی تکلیف دادگاه

در صورتی که خواسته وجه رایج ایران است، تعیین مبلغ مورد درخواست در دادخواست، محدوده‌ی رسیدگی دادگاه را مشخص می‌نماید. بدین معنا که دادگاه نمی‌تواند به بیشتر از خواسته‌ی خواهان حکم صادر کند. همچنین صدور حکم به کمتر از خواسته منوط به این است که دادگاه حقانیت خواهان را در آن بخش از خواسته نپذیرفته باشد، نه اینکه اصولاً راجع به آن اظهار نظر ننماید. البته دادگاه ممکن است حتی کل خواسته‌ی خواهان را بی وجه بداند و خواهان را نسبت به آن محکوم به بی‌حقی نماید. اما در هر صورت دادگاه می‌بایستی نسبت به کل خواسته در جهت رد یا قبول آن اظهار نظر نماید و نمی‌تواند به بیشتر از آن حکم دهد و نمی‌تواند به کمتر از آن رسیدگی نماید. (حیاتی، ۱۳۹۲: ۸۵)

بهای خواسته، به موجب ماده‌ی ۶۱ ق.آ.د.م. «از نظر هزینه‌ی دادرسی و امکان تجدید نظر - خواهی همان مبلغی است که در دادخواست قید شده است، مگر اینکه قانون ترتیب دیگری معین کرده باشد». بنابراین بهای خواسته در دادخواست، علی‌الاصول، مأخذ احتساب هزینه دادرسی و با لحاظ مقررات قانون آیین دادرسی مدنی، یکی از مبانی تشخیص قابلیت تجدید نظر و همچنین، عندالاقضاء، قابلیت فرجام آرای قاطع دادگاه‌ها در امور حقوقی و صلاحیت مرجع (دادگاه عمومی یا شورای حل اختلاف) است. (شمس، ۱۳۹۰: ۴۵)

- ملاک میزان هزینه‌ی دادرسی

مطابق ماده‌ی ۶۱ قانون آیین دادرسی مدنی بهای خواسته «از نظر هزینه‌ی دادرسی... همان مبلغی است که در دادخواست قید شده است، مگر اینکه قانون ترتیب دیگری معین کرده باشد». یکی از شرایطی که خواهان باید هنگام تقدیم دادخواست آن را رعایت نماید، پرداخت

هزینه دادرسی است. هزینه دادرسی براساس ارزش مالی خواسته تعیین می‌گردد. اگر خواسته وجه رایج ایران باشد، هزینه دادرسی براساس ارزش مالی خواسته تعیین می‌گردد. اگر خواسته وجه رایج ایران باشد، هزینه دادرسی برحسب مرحله دادرسی درصدی (برحسب قوانین موجود) از آن است. ولی در غیر وجه رایج معیار تعیین هزینه دادرسی، درصدی از مبلغ تقویم شده در دادخواست است که توسط خواهان تعیین گردیده است. لذا خواهان به تقویم خواسته و قید آن در دادخواست میزان هزینه دادرسی قابل پرداخت را هم مشخص نماید.

- ملاک تجدید نظر پذیری رأی

مطابق ماده ۶۱ ق.آ.د.م بهای خواسته «از نظر امکان تجدیدنظر خواهی همان مبلغی است که در دادخواست قید شده است...». از آنجا که در دعاوی مالی معیار تجدید نظر پذیری رأی، بهای تعیین شده برای خواسته است، لذا اگر بهای تعیین شده از مبلغی که اصولاً قانونگذار آن را معیار قرار داده، کمتر باشد، رأی صادر نسبت به آن خواسته، غیرقابل تجدید نظر خواهد بود؛ ولی اگر فراتر از آن مبلغ باشد، رأی قابل تجدیدنظر خواهد بود. بنابراین، اگر خواهان می‌خواهد از حق تجدید نظر خواهی بهره ببرد، باید خواسته‌ی خود را به میزانی بیشتر از مبلغی تعیین کند که قانونگذار آن را معیار تجدید نظر پذیری رأی قرار داده است. (حیاتی، ۱۳۹۳: ۲۹)

به دلالت ماده «۵» قانون آیین دادرسی مدنی آراء دادگاه‌های عمومی و انقلاب قطعی است مگر آنکه مطابق قانون قابل تجدیدنظر باشد. در بند «الف» ماده ۳۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی معیار تجدید نظر پذیری آراء در دعاوی مالی مشخص شده است. در دعاوی مالی اگر خواسته یا بهای آن بیش از سه میلیون ریال باشد، حکم صادره قابل تجدید نظر خواهد بود. ملاک اینکه ارزش خواسته بیش از سه میلیون ریال یا کمتر از آن است، تقویمی است که توسط خواهان در ضمن دادخواست صورت گرفته و مورد ایراد و اعتراض خوانده واقع نشده است.

- ملاک فرجام خواهی رأی

تعیین بهای خواسته بر قابلیت اعتراض آرا مؤثر است. زیرا تجدیدنظر خواهی یا فرجام خواهی در دعاوی مالی با توجه به خواسته یا ارزیابی آن صورت می‌گیرد که دعاوی با ارزش بیش از ۳۰۰۰/۰۰۰ ریال قابل تجدید نظر خواهی و خواسته بیش از ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال قابل فرجام خواهی است. بنابراین خواسته با ارزش کمتر از ۳۰۰۰/۰۰۰ ریال قطعی و غیر قابل تجدید نظر است. حتی بر این امر قانون وصول برخی از درآمدهای دولت تا حدی تأکید دارد که در دعوی خلع ید یا مالی غیرمنقول با اینکه هزینه دادرسی را مطابق قواعد مقرر در همین قانون اخذ می‌نماید ولی قابلیت اعتراض را به تعیین خواسته از سوی خواهان واگذار می‌نماید. (مرتضوی، ۱۳۹۲: ۲۵)

اصل بر غیرقابل فرجام بودن آرای دادگاه‌های بدوی است. اصولاً آراء صادره از دادگاه‌های تجدیدنظر قابل فرجام‌خواهی نیز می‌باشند یعنی اصل بر قابل فرجام‌خواهی بودن آنهاست مگر اینکه خلاف آن بیان شود اما در خصوص آراء صادره از دادگاه‌های بدوی اصل بر غیرقابل فرجام بودن آنها می‌باشد. با این حال در مواردی قانونگذار جهت حفظ حقوق محکوم علی‌ه‌ی که در مهلت تعیین شده تجدیدنظر خواهی نکرده به او اجازه داده است از رأی مزبور فرجام خواهی نماید. (زراعت، ۱۳۹۰: ۲۵)

در صورتی که خواسته‌ی دعاوی مالی بیش از بیست میلیون ریال باشد و محکوم علیه در مهلت تجدیدنظر، تجدید نظر خواهی نکرده باشد، رأی مزبور قابل فرجام‌خواهی است. نکته قابل ذکر این است که بند «۱» ماده‌ی ۳۶۷ تنها احکامی که خواسته آنها بیشتر از دو میلیون تومان باشد را قابل فرجام‌خواهی قرار داده است و در مورد احکامی که ارزش خواسته شان این مبلغ باشد (بیش از دومیلیون تومان)، ساکت است. لذا ظاهر این بند تنها دعاوی که خواسته آنها وجه رایج ایران است را در بر می‌گیرد و احکام صادره در سایر دعاوی مالی اگر چه ارزش خواسته آنها بیشتر از دو میلیون تومان باشد را شامل نمی‌شود.

- ملاک اعاده دادرسی

به دلالت بند یک ماده ۴۲۶ چنانچه موضوع حکم مورد ادعای خواهان نبوده باشد می‌توان از چنین حکمی درخواست اعاده دادرسی نمود. به عنوان مثال چنانچه خواهان خلع ید خوانده از آن پلاک حکم به خلع ید از پلاک «۲» فرعی صادر نموده باشد. از آنجایی که دادگاه خارج از موضوع حکم صادر نموده است، این حکم قابل درخواست اعاده دادرسی خواهد بود. بعید نیست بتوان گفت منظور از موضوع در بند یک ماده ۴۲۶، خواسته دعواست.

- ملاک صلاحیت ذاتی دادگاه

در حال حاضر با توجه قانون شوراهای حل اختلاف: شوراهای حل اختلاف روستاها نیز صرفاً می‌توانند صلح و سازش کنند و مجاز به صدور رأی نیستند. به موجب ماده ۹ این قانون، دعاوی مالی راجع به اموال منقول تا نصاب دویست میلیون ریال (بیست میلیون تومان) در صلاحیت شورا است. این مبلغ در قانون پیشین برای روستاها تا ۲۰ میلیون ریال و برای شهرها تا ۵۰ میلیون ریال بود. لذا اگر خواهان خواسته‌ی خود را در شهر به کمتر از پنجاه میلیون ریال تقویم نموده باشد باید دادخواست خود را به شورای حل اختلاف تقدیم نماید. (زراعت، ۱۳۹۰: ۳۳)

تشخیص صلاحیت دادگاه برای رسیدگی به دعوی مطالبی است که در ماده‌ی ۶۱ از ق.آ.د. آمده است. بنابراین صلاحیت دادگاه براساس میزان خواسته مشخص می‌شود.

- توقیف دادخواست

یکی از آثاری که در خصوص تعیین خواسته می‌تواند به شکل دیگری اتفاق افتد، توقیف دادخواست در زمانی است که تعیین خواسته در دادخواست قید نگردیده باشد؛ آثاری که در صفحات پیش از پژوهش حاضر بیان گردید، همگی آثار مثبت از تعیین خواسته بوده‌اند که در صورتی که خواسته معین نشود، دادخواست توسط مدیر دفتر توقیف خواهد شد. این شرایط در بندهای ۲ تا ۶ ماده ۵۱ و ماده ۵۲ ق.آ.د.م پیش بینی گردیده است و چنانچه دادخواست فاقد این شرایط باشد دفتر دادگاه جریان دادخواست را متوقف نموده و به دادخواست دهنده اخطار رفع نقص می‌نماید و چنانچه خواهان از تاریخ ابلاغ به مدت ۱۰ روز رفع نقص ننماید، دادخواست به موجب قراری که مدیر دفتر و در غیبت مشارالیه جانشین او صادر می‌کند رد می‌شود و خواهان می‌تواند ظرف ۱۰ روز از این اقرار به همان دادگاه شکایت کند و رأی دادگاه در این خصوص قطعی است. (کریمی، شریفی، ۱۳۹۰: ۴۵)

آثار تعیین خواسته و بهای آن در حقوق فرانسه - آثار اعتراض پذیری

همان آثاری که در حقوق ایران برای تعیین خواسته متصور است در حقوق فرانسه نیز چنین است؛ برای مثال حق تجدیدنظرخواهی، حق اعاده دادرسی، حق واخواهی و... از آثاری است که در حقوق فرانسه نیز مورد توجه است.

برای مثال در حقوق فرانسه، قاعده و اصل تجدیدنظر پذیری آراء وجود دارد. بر اساس ماده ۵۴۳ قانون جدید آیین دادرسی مدنی این کشور، «طریقه تجدیدنظر در تمام موضوعات حتی امور حسبی، علیه آراء دادگاه بدوی باز است، مگر اینکه به گونه‌ای دیگر مقرر شده باشد». از جهاتی در حقوق فرانسه، طبق بند ۲ ماده ۴۱، اعتراض به بهای خواسته می‌تواند پیش از اعلام رأی قطعی دادگاه انجام پذیرد.

- آثار و ضمانت اجرای سوء استفاده از حق در تعیین خواسته

در حقوق فرانسه، اشخاصی که در تعیین خواسته و بهای آن سوء استفاده نمایند دارای ضمانت اجرای مدنی خواهند بود. سوء استفاده از حق نهادی است که در حقوق فرانسه برای کنترل و محدودیت اعمال حق در مواردی همچون تعیین خواسته در دو قرن اخیر ایجاد شده است. (کریمی، ۱۳۹۳: ۱۹۳) در نظام‌های حقوقی غیر اسلامی همچون حقوق فرانسه مسئولیت مدنی، عبارت از این است که شخصی که در اثر تقصیر خود به دیگری زیانی وارد آورده ملزم

^۱ در حقوق اسلام مسئولیت مدنی به طور کلی مبتنی بر تقصیر نیست. به این نحو که در بخش مهمی از آن، که باب اتلاف باشد، مسئولیت جنبه موضوعی دارد، یعنی برای مسئول شناختن متلف نیازی به وجود تقصیر نیست. (بهرامی احمدی، حمید، پیشین، ص ۲۲۹)

به جبران آن باشد. در هر دو مسئولیت (خواه جزایی و خواه مدنی) یک چیز مشترک است زیرا هر دو جرم بر مبنای تقصیر و خطای مرتکب استوارند یعنی برای آن که بتوان از مجرم مطالبه خسارت کرد باید نامبرده حداقل مرتکب خطا یا بی احتیاطی شده باشد و این همان چیزی است که اساس ماده ۱۳۸۲ قانون مدنی فرانسه را تشکیل می‌دهد در حقوق فرانسه، اشخاصی که از تعیین خواسته و بهای آن، سوء استفاده نمایند، ضمانت اجرای کیفری و مدنی خواهند داشت؛ برای مثال اگر شخصی که بهای خواسته‌ی خود را که ۲۰۰ فرانک است، ۴۰۰ فرانک اعلام نماید تا از طرف مقابل مطالبه کند، سوء استفاده نموده است. مطالعه‌ی رویه قضایی فرانسه نشان می‌دهد که دادگاه‌های این کشور در تثبیت کنترل حق و جلوگیری از سوء استفاده از حق نقش فعال و اساسی داشته‌اند سوء استفاده از حق از موارد و مصادیق مسئولیت مدنی می‌دانند و این نظریه هنوز در رویه قضایی و نظر علمای حقوق این کشور اعتبار خود را از دست نداده است.

در حقوق ایران نیز اگرچه مسائل دقیقاً به شکل یک نظریه کامل مطرح نشده اما مفهوم و شرایط کلی آن در برخی از قوانین، مانند اصل ۴۰ قانون اساسی و ماده ۱۳۲ قانون مدنی بیان شده است. به همین دلیل، دادگاه‌های فرانسه این قاعده را در سه حالت زیر قابل جریان می‌دانند، اگر چه با توجه به شرایط و اوضاع احوال در هر مورد به یک یا چند حالت استناد کرده‌اند:

۱. شخص در اجرای حق مرتکب تقصیر می‌شود.

۲. شخص قصد اضرار یا تدلیس نسبت به شخص دیگر داشته باشد؛

۳. شخص حقی را علیه هدف اجتماعی آن به کار برد (bell, 1998: 36)

با توجه به موارد سه گانه‌ی فوق، رویه‌ی قضایی فرانسه، سوء استفاده از حق در تعیین خواسته را در سه مورد فوق جاری می‌داند که جهت اطلاع‌ی کلام از تشریح آن‌ها پرهیز می‌گردد.

نتیجه گیری

اولاً آنچه که مدعی از دادگاه تقاضا می‌کند، خواسته یا مدعی به نامیده می‌شود. به عبارت دیگر، آن چیزی را که در مرافعات و امور حسبی از دادگاه می‌خواهند اصطلاحاً خواسته نامند. خواسته همان موضوعی است که خواهان از دادگاه می‌خواهد، در حقوق فرانسه در خصوص تعیین خواسته، هیچ‌گونه تعریف و مفهوم نگاری به عمل نیامده است و هر آنچه در خصوص تعیین خواسته مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته در خصوص تعیین بهای خواسته یا جهت دعوا و اعتراض به ادعای خواهان در خصوص تعیین بهای خواسته در حین ارائه دادخواست است. برای مثال در مواد ۳۵، ۳۶ و ۳۷ قانون جدید آیین دادرسی مدنی فرانسه به جهات و شرایط تعیین

خواسته پرداخته شده است. برای مثال در ماده‌ی ۳۵ قانون مزبور عنوان گردیده است که در صورت ارائه‌ی چندین دادخواست از سوی خواهان واحد، به هر یک از خواسته‌ها به صورت جداگانه رسیدگی می‌شود و این امر قابل اعتراض از سوی خوانده نیز می‌باشد. با توجه به مقررات موجود در حقوق فرانسه می‌توان عنوان داشت که: «تعیین خواسته، به مفهوم تعیین جهت و میزان خواسته است». مفهوم بهای خواسته نیز همچون تعیین خواسته در قوانین فرانسه مورد اشاره قرار نگرفته است و تنها قانونگذار در ماده‌ی ۳۴ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه اقدام به تبیین شرایط بهای خواسته نموده است که در ماده‌ی مزبور صلاحیت رسیدگی دادگاه در بهای خواسته مورد بررسی و توجه بوده است. ماده‌ی ۳۸ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه نیز در خصوص ادغام خواسته و بهای آنها در دادخواست واحد است. به طور کلی در حقوق فرانسه، هدف و مفهوم بهای خواسته، همان میزان خواسته در جهت تعیین صلاحیت دادگاه است که از ماده‌ی ذکر شده استنباط می‌گردد. تقویم خواسته در حقوق فرانسه، تنها در بر گیرنده‌ی اموالی است که ارزش مالی داشته باشد و قابل داد و ستد باشد. در حقوق فرانسه اگر خواسته دعوی یا ارزش مالی خواسته دعوی کمتر از پنجاه فرانک باشد، دادرسی در صلاحیت دادگاه بخش است، این دادگاه با سیستم وحدت دادرسی به دعوا رسیدگی می‌کند و اگر خواسته دعوی یا ارزش مالی آن بیش از پنجاه هزار فرانک باشد، دادرسی با دادگاه شهرستان است که با سیستم تعدد قاضی رسیدگی می‌شود. ثانیاً یکی از مباحث بسیار مهم خواسته در دعاوی حقوقی، آشنایی با اقسام آن است که معیار، میزان و ملاک ارزیابی خواسته و تعیین شعب و صلاحیت با آن تعیین می‌گردد. خواسته بر دو قسم، خواسته مالی و خواسته غیرمالی تقسیم بندی می‌گردد. خواسته مالی، آن است که در عرف «مال» محسوب می‌شود و یا اگر مال محسوب نمی‌شود چیزی باشد که مقصود بالذات از نظر خواهان توقع وصول به مال باشد و خواسته غیر مالی آن است که نه مال باشد و نه مقصود بالذات از نظر خواهان توقع مالی از آن در نظر باشد. در بند «ب» ماده ۲۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی، دین، ثمن مبیع، معاملات، وقف، اجاره، وصیت به نفع مدعی، غضب، جنایات خطایی و شبه عمد که موجب دیه است از جمله دعاوی مالی یا آنچه مقصود از آن مال می‌باشد و دعاوی مسلمان بودن، بلوغ، جرح و تعدیل، عفو از قصاص، وکالت، وصیت در زمره‌ی دعاوی غیرمالی ذکر شده است. اقسام خواسته در حقوق فرانسه، همچون حقوق ایران را می‌توان به دو نوع مالی و غیر مالی. برای مثال، پرداخت هزینه‌های دادرسی بر عهده‌ی محکوم علیه است. بنابراین بر اساس ماده ۶۹۶ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه او نه تنها هزینه‌های مربوط به خود را پرداخت می‌نماید، بلکه هزینه‌های مربوط به رقیب را نیز باید پرداخت نماید؛ این نوع خواسته در حقوق فرانسه مالی است. در حقوق فرانسه، عدم

النفع نیز، به عنوان ضرر مادی و مالی قابل جبران دانسته شده است و در صورت مطالبه نیز، نوعی خواسته مالی به شمار آمده است. در این نظام حقوقی، حقوقدانان، میان دو نوع ضرر مالی، از نظر مفهومی تفکیک قائل شده اند.

ثالثاً: تعیین خواسته و بهای آن در حقوق ایران و فرانسه از جایگاه مهمی برخوردار است. به طوری که در هر حقوق نوشته‌ای در راستای تبیین خواسته در دعاوی حقوقی، مقررات مختلفی وضع گردیده است. با توجه به اینکه مقررات مدنی در حقوق ایران، مقتبس از حقوق فرانسه می‌باشد، ولیکن در هر دو حقوق نوشته، نواقص قانونی به چشم می‌آید که در راستای تغییر و وضع مقررات آن می‌بایست، اقدامات قانونی به عمل آید. برای مثال تقسیم بندی دعاوی در حقوق فرانسه به شخصی، عینی و مختلط، ابهاماتی را پدید آورده است که می‌تواند در منشأ قواعد حاکم بر تعیین خواسته خلل به وجود آورد؛ به طوری که دعاوی مربوط به احوال شخصیه، در هیچ یک از تقسیمات پیش گفته جایگاهی نداشته است. در حقوق ایران نیز این ابهام وجود دارد، به طوری که پرداخت هزینه دادرسی واقعی از حقوق دولت است. به عکس اصول عادلانه‌ی دادرسی و قواعد حاکم بر آن، که اعتراض حق ذی نفع است؛ در مورد بهای خواسته فقط برای خواننده حق اعتراض پیش بینی شده است. در حالی که دولت ذی نفع همیشگی و قطعی است و خواننده ممکن است در مواردی ذی نفع باشد.

منابع فارسی

کتب

- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۲)، *ترمینولوژی حقوق*، تهران: گنج دانش
- حیاتی، علی عباس (۱۳۹۲)، *حقوق مدنی (مسئولیت مدنی)*، تهران: میزان
- (۱۳۹۰)، *کلیات آیین دادرسی مدنی*، تهران: میزان
- حسین کریمی، مهدی شریفی (۱۳۹۳)، *آیین دادرسی مدنی*، تهران: میزان
- زراعت، عباس (۱۳۹۰)، *آیین دادرسی مدنی*، تهران: دانش پذیر
- شمس، عبدا... (۱۳۹۰)، *آیین دادرسی مدنی*، تهران، دراک، جلد ۲
- گودرز افتخار جهرمی، مصطفی‌السان (۱۳۹۲)، *آیین دادرسی مدنی*، تهران: دوران‌دیشان، جلد ۲
- عمید، حسن (۱۳۶۹)، *فرهنگ فارسی عمید*، تهران: امیرکبیر
- مرتضوی، عبدالمجید (۱۳۹۲)، *آیین دادرسی مدنی عمومی*، تهران: جنگل، جلد ۱

English Resources

- Bell, John (1998), **Principles of French Law**, oxford university press
- Chose jugée- Georges Wiederkher (2004), **repertoire de procédure civil- Dalloz**, these parise